



دایره

مجله مقالات کارشناسان
پژوهش‌های علمی و تحقیقاتی

دایره

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقالات



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیشینه روزنامه نگاری در ایران

دکتر فیاض زاهد*

مدخل

داستان مطبوعات در ایران به مثابه آن بیت از شعر حافظ است که فرمود:

راستی خاتم فیروزه بو اسحاقی خوش درخشید ولی ، دولت مستعجل بود
مطبوعات ایران خوش درخشیدند و بالیدند، اما از چهار فصل ایام، تقدیرشان
عمدتا به خزان بود وزمستان . برمی آمدند و جوانه می زدند ، اما به اولین
تندر سحرگاهی فرو می افتادند و برای زمانی دراز یخ می بستند.
مضحک است اما باید پذیرفت که بین استحکام و استمرار مطبوعات ایران
زمین و قدرت و استواری دولت مرکزی در ایران ، رابطه ای وارونه و معکوس
برقرار بود . هرگاه دولت های مرکزی قوی شوکت و رفعت جایگاه بودند ،
مطبوعات نحیف و لاغر و زرد منظر و آن گاه که دولت ها در تندباد حوادث
قرار داشتند، جراید جولانی داشتند و روزگاری به کام !
تنها دوره هایی چند کوتاه از جمله دولت دکتر مصدق و ماه عسل انقلاب



اسلامی و عصری که بدان اصلاحات می گویند را بایستی استثنای این وارونگی انگاشت.

وهرچه هست مقاله حاضر فتح باب محدودی بر تاریخ مطبوعات در ایران تا عصر مشروطه است. موضوعی که بیش از این نیاز مند تتبع و تحقیق است.

تولد روزنامه در ایران

اگر بخواهیم به زمینه های ظهور مطبوعات در ایران و آشنایی مردم این سامان با این پدیده ارتباطی جمعی، اشاره کنیم، ناچاریم به این حقیقت معترف باشیم که روزنامه نیز مانند بسیاری از پدیده های جهان معاصر، کالایی وارداتی از فرنگ است. اگر کوشش برخی محققین و نویسندگان را مورد تدقیق قرار دهیم که سهل بر این باورند که روزنامه نگاری از زمان های باستان در ایران ریشه داشته و کتیبه ها والواح گلی ویا فرامین پادشاهی برای ولایات را از طرف شاهنشاهان هخامنشی را جزء روزنامه به حساب آورده اند، تنها رندی نموده ایم (۱) اما ناگزیر باید قبول کرد که با تجددخواهی و نوسازی در غرب و اختراع دستگاه چاپ و از طرف دیگر اعزام محصل به فرنگ، آشنایی مردم ما با این فرآورده جدید فراهم آمده است.

اما اهمیت این رسانه که بعدها نام رکن چهارم دمکراسی را بر آن نهادند، نه تنها به خوبی برای عوام روشن نشد، بلکه تا مدت ها خواص جامعه نیز از میزان تاثیر و حوزه کار آیی رسانه ای به نام مطبوعات آگاه نبودند. اما با این همه دسته ای از محققین معتقدند ا مرر روزنامه نگاری برای ایرانیان به هیچ وجه نا شناخته نبوده و در زمان ساسانیان خصوصا روزنامه نگاری در ایران تحول تازه ای یافته و حتی به زبان های مختلف دنیا مطلب منتشر می شده است. (۲)

این موضوع از آن جا جذاب تر می شود که بدانیم در برخی کتب و منابع قدیمی نامی هم از روزنامه برده شده است. چنان که عنصری در قرن چهارم هجری گفته است:

به روزنامه ایام در همه پیداست اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان

ضمن آن که واژه روزنامه را ابوریحان در الجماهیر (چاپ کلکته ص ۲۶۰) و ثعالبی



در تیمیه (چاپ دمشق جلد دوم) ص ۱۰ و ۱۱ و یاقوت حموی در معجم الادب^(ج ۵ ص ۴۴۰) یاد کرده اند. هم چنین در فرمان تعویض کلانتری کتابخانه همایونی به کمال الدین بهزاد کلمه روزنامه به کار رفته است.

صائب تبریزی نیز گفته است :

گر نیست باورت که دل از ما ربوده ای در روزنامه سرزلف دوتابیین

هم چنین ناصر خسرو و در سفرنامه خود می نویسد: « این معنی در مجامع بیت المقدس دیده بودم و تصویر کرده و همان جا بر روزنامه ای که داشتم، تعلیق زدم»^(۳)

محیط طباطبایی در مورد برداشت چنین نویسندگانی می نویسد :

" پژوهنده منتبع فارسی زبان وقتی در دیوان عنصری بدین بیت از قصیده ای می رسد که می گوید :

به روزنامه ایام در همه پیداست اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان

شاید چنین می پندارد که در آغاز صده پنجم هجری و به روزگار سلطان محمود غزنوی در غزنین روزنامه ای به نام روزنامه ... نهاده می شد تا کارنامه شهریار عصر را بر آن بخوانند و بدانند. یا آن که در ضمن تتبع شعر قدیم به این بیت از خمسه نظامی بر می خورد که می گوید :

از قصه و قطعه و قصیده یک یک بنوشت بر جریده

محتمل است چنین بیاندیشد که به روزگار نظامی یا پیش از نظامی در شهر گنجه یا جای دیگر جریده ای مانند اخبار ادبی فرانسه (نوول لیتزر) در دسترس مردم قدیم بوده که در آن افسانه ها، قطعه ها، نظم و نثر و قصائد ستایشگران هیات حاکم روز به خط دست نوشته می شد. ولی بعد از تحقیق در مدارک و مآخذ تاریخ و ادب فارسی و مقایسه و مقابله بدین نکته آشنا می شود که مطبوعات نیز مانند حکومت مشروطه و فرهنگ جدید و.. بدون استثنا ره آورد تهران و فرهنگ اروپا می باشد که از یک صد و هفتاد سال به این طرف از پی هم راه ایران گرفته اند. " (۴).

انتخاب اسم روزنامه

برخی از مورخین در خصوص انتخاب نام روزنامه برای جریده هایی که در ممالک



اسلامی وخصوصاً ایران منتشر می شدند براین باورند که در آغاز صده سیزدهم هجری قمری وقتی مطبوعات از فرنگ وارد ممالک اسلامی شدند ، نخواستند نام تازه ای برای آن بتراشند واز کلمه ژورنال و گزت مانند ترانسپورت، صورت تراشیده زرنا (عامیانه سرنا) و تحشرک (مرادف غچک) بسازند وچهره فانوس زبان را با استعمال نظایر آن ها زشت ونا پسند سازند . ترکان عثمانی واعراب شمال افریقا و مردم هندوستان که دراین اقتباس ، بر مردم ایران اندک تقدم زمانی داشته اند، بعداز آزمایش کوتاهی ازاستعمال ژورنال و گزت در صورت معرب ژورنال و گازی فرانسه به ترجمه و نقل مفهوم آن در قالب الفاظ معمول و مشغول پرداختند .

در هندوستان کاغذ اخبار با اضافه لفظ مناسب جالبی براخبار که ترجمه نیوز انگلیسی باشد، مانند حشرات الاخبار ، شمس الاخبار و سبدا لاخبار و نظایر آن ها راه کاربردند. ولی ترکان کلمه وقایع جمع واقعه به معنی رو داده را به جای اخبار بر گزیدند . چنان که قدیمی ترین روزنامه ای که در سال ۱۸۳۰م در اسلامبول تاسیس شده تقویم وقایع نام گرفت .

طبا طبایی در این تقسیم عرب هارا نیز به دودسته تقسیم می کند. در شمال افریقا به پیروی از اسلوب هندی ، "ورقه خبریه" و "اوراق حوادث" و "رساله خبریه" به معنی نوول لیتر Novel Letter به کاربردند . اما در مصر و لبنان که ظاهراً احساس استقلال رای بیش از مردم الجزایر و تونس می کردند کلمه جریده و مجله و صحیفه را استعمال کردند . که در نتیجه لفظ "الصحافه" را از روی صحیفه به صورت مصدری برای فن روزنامه نگاری گرفتند و به کاربردند .

در ایران که چندسالی بعداز هند و عثمانی و مصر به تاسیس روزنامه اقدام شد در آغاز امر کلمه "اخبار و کاغذ اخبار" و اولین تصویر در نشریه میرزا صالح که نخستین نمونه و نوبر این باغ وهر محسوب می شد، به تقلید از هندیان به کار رفت . ولی در موقع ایجاد روزنامه رسمی دولتی به عهد وزارت میرزا تقی خان ، کلمه وقایع را مانند "دارالفنون" از عثمانی ها گرفتند و به صفت اتفاقیه اضافه کردند و آن را دومین تصویر نامیدند . به تدریج کلمه روزنامه که در معانی مشابه دیگری معمول بود در برابر ژورنال فرانسه متداول گردید و دارای مفهوم تازه ای شد و به تدریج مفاهیم



دیگر کلمه را از یاد برد .

نخستین روزنامه در ایران در اوایل سلطنت محمد شاه انتشار یافت که نام مخصوصی نداشت و میرزا صالح شیرازی آن را اداره می کرد و یک نسخه از آن عینا در مجله آسیای انگلیس (ج پنجم از سال ۱۸۳۹ میلادی) نقل شده و در ابتدای آن نوشته است:

"اخبار وقایع شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ در دار الخلافه تهران انطباع یافته" این روزنامه که به گفته نویسنده مقاله انجمن آسیائی انگلیس از چندسال پیش تر از تاریخ مذکور چاپ می شد. لا اقل تا سال ۱۲۵۵ (تاریخ تحریر آن مقاله) باقی بود ولی سر نوشت بعدی آن معلوم نشد. البته نمی توان از برخی نوآوری ها و تغییرات کوچکی که در شکل و نوع مطالبی که در روزنامه توسط ایرانیان صورت گرفته، در گذشت. اما قالب اصلی جریده ها به همان شکلی است که از اروپا به ایران وارد شده که شوق و قریحه ایرانی خواهان ترقی و تکامل و علاقمند به بیداری ملت و سست کردن پایه های استبداد قاجاری، در قالب دست نوشته ها و شبنامه ها و اعلامیه ها گام هایی برداشتند، ولی تا ورود دستگاه چاپ و تیراژ گسترده آن ها عملا حرکت خاصی صورت نگرفته است.

تا آن که سرانجام این مهم در زمان سلطنت فتحعلی شاه و به دنبال اصلاحاتی که عباس میرزا انجام داد، صورت پذیرفت. زیرا ماشین چاپ به مساعی وی در سال ۱۲۳۲ هجری قمری برابر با ۱۷ - ۱۸۱۶ میلادی وارد ایران گشته و در تبریز مستقر شده است. تقریبا هم زمان با این واقعه، چاپخانه دیگری در تهران تحت نظارت «میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله» نصب گردید و کتاب هایی هم چون قرآن مجید، جلاء العیون، حیوه القلوب، رسالات فقهی و... که معروف به طبع معتمدالدوله است چاپ شده است.

از جمله کتب معروفی که در این مطبعه به چاپ رسیده تاریخ مآثر سلطانی تالیف عبدالرزاق بیک دنبلی در شرح سلطنت فتحعلی شاه است که به نایب السلطنه عباس میرزا هدیه شده و در سال ۱۲۴۱ قمری (۲۶-۱۸۲۵م) به چاپ رسیده و دیگری رساله آبله کوبی می باشد که در تبریز به چاپ رسیده است (۵)



ادوارد براون که از منابع و کتب عصر قاجار استفاده کرده و خود شخصاً بسیاری از این روزنامه‌ها را دیده است در خصوص اولین دستگاه چاپ می‌نویسد که عباس میرزا در سال ۱۲۴۰ هجری قمری ۵-۱۸۲۴ میلادی، میرزا جعفر تبریزی نامی را به مسکو فرستاد تا صنعت چاپ سنگی رایج را یاد گرفته و به تبریز آورد و از فردی به نام مشهدی آقای باسمه چی حکایت می‌کند که میرزا صالح شیرازی شخصی به نام میرزا اسدا. فارس را با مخارج سنگینی به پترزبورگ فرستاد تا صنعت طبابت بیاموزد و وی در بازگشت به کمک پدر، آقای باسمه چی دستگاه چاپ را در تبریز بنیان نهاد. (۶)

پس از مدتی نخستین روزنامه یومیه ایران به نام "خلاصه الحوادث" در تهران به سال ۱۳۱۶ قمری (۹-۱۸۹۸ م) به قطع کوچک چهار صفحه‌ای منتشر شد که یک طرف آن با حروف سربی چاپ می‌شد و اخبار تلگرافی را از منابع خارجی و خلاصه وقایع جاری تلگراف را که توسط خبرگزاری رویتر به هندوستان و سفارت انگلیس در تهران فرستاده می‌شد، چاپ می‌نمود. (۷) این امر تحول بزرگی در راه انتشار روزنامه‌های یومیه در سطح پایتخت فراهم آورد. امری که هر چند با گسترش کمی مطبوعات همراه بود اما در ساختار و اساس محتوا فرق چندانی بایکدیگر نداشتند. پیشرفت مطبوعات ایران از سال ۱۲۵۳ تا ۱۳۱۲ یعنی در مدت شصت سال چندان تند و درخشان نبود و این کندی در تحول، مانع بروز افراد شایسته و متحرکی بود که قادر به ایجاد تغییر وضع اساسی در کار روزنامه نگاری باشند. فقدان سیاست ثابتی که تبلیغ آن و با دفاعش ضرورت پیدا کند، جدایی روزنامه و مندرجات آن از زندگی مردم و وابستگی کلی آن به دستگاه دیوان و به خصوص شاه قاجار، تنگی مجال بحث و تحریر و اختصاص به ستایش و با گزارش امور شخصی سلطان عصر، نیازی به نویسنده متفکر و ناقد و نکته سنج برای عرض مشکلات اجتماعی و سیاسی باقی نمی‌گذاشت و از این رودر میان جراید ایران و خارج اتصال و ارتباطی وجود نداشت.

قریب نیم قرن، روزنامه نگاری در ایران مانند همه تلاش‌های فکری دیگری که برای تغییر وضع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مملکت به عمل می‌آمد از عهده شکستن سدی که در راه پیشرفت ملت وجود داشت، بر نیامد و هر گونه مظهر تمدن و فرهنگ که به ایران قدم می‌نهاد، جذب خاصیت توافق با مقتضیات محیط می‌شد و در ردیف



اسباب و وسایل مزید جلال و شکوه و وضع موجود قرار می گرفت. از جمله روزنامه در ردیف وسایل عرض تملق و ستایش و قلب حقایق و استتار، جای تازه ای اختیار کرده وصف سیر و صید و ملاقات و عید و حوادث روزمره را با قلم نثر رقیب شعر و شعرای مداح مقرون ساخته بود. با وجود این در طی مدت بیست سال آخ رسیده سیزدهم از خلال این توافق با اوضاع و احوال، تا حد کمی توانست مردم را به وجود سختی ها و کارهایی که در دنیای معاصر بر مردم هم عصر ماراه ترقی و تقدم را گشوده بود، آشنا سازد.

در این مدت افراد فراوانی در راه اعتلا و تکامل این امر مهم سهم داشته اند که از بزرگترین آن ها، در این مقال کوتاه می توان به افراد زیر اشاره کرد:

۱- برجیس صاحب

از اصل و منشأ "نوع تحصیل اولیه او خبری نداریم از روی مطالب پراکنده ای که درباره او گفته شده، معلوم می شود یک انگلیسی بود که در موقع جلب کارشناس و خدمتگزار لشکری از هندوستان به ایران آمده و بعد از مراجعت همکارانش در ایران مانده است و سپس مدیر روزنامه وقایع اتفاقیه شد و پس از آن، اطلاعی از وضع وی در دست نیست.

۲- میرزا صالح معروف به شیرازی

وی در سال ۱۲۲۰ هجری از آذربایجان به دستگاه اداری قائم مقام اول در آمد و تا آن جا مورد اعتماد و دل بستگی او قرار گرفت که وقتی در سال ۱۲۲۵ هجری خواستند چند نفر را برای تحصیل فنون جدید از تبریز به انگلیس بفرستند، این شیرازی را در تبریز برگزیدند و با چهارتن دیگر به لندن اعزام کردند. وی در بازگشت یک دستگاه چاپ کهنه با خود به تهران آورد و در سال ۱۲۵۴ هجری به تاسیس روزنامه در تهران پرداخت و از آغاز سال ۱۲۵۳ هجری ورقه ای با نام "کاغذآخبار" با خط نستعلیق و چاپ سنگی منتشر ساخت.



۳- علیقلی میرزا

ازپسرهای متعدد فتحعلی شاه بود که از مادری گرجی زاده شده بود. در دوران میرزا تقی خان با اطرافیان خود که متشکل از قاجاری و میرزا نظرعلی حکیم و چندتن دیگر بود، خارج از دستگاه امیر، حوزه ای ظاهرا ادبی و علمی داشتند و در سال ۱۲۱۸ هجری روزنامه علمیه رادایر کرد که علی الظاهر خود در تحریر آن مقام اول را داشت و لحن برخی مقاله هانشان می دهد که از زبان او سخن گفته می شود.

۴- روزنامه فرهنگ خراسان

چریده فرهنگ در سال ۱۲۹۶ هجری منتشر شد در دستگاه ظل السلطان نخستین انعکاس از تابش اختر اسلامبول بود و روزنامه اطلاع که در سال ۱۲۹۸ به چاپ رسید انعکاس دوم آن محسوب می شد. با انتشار این دوروزنامه شاید می خواستند جای خالی برای راه یافتن اختر به ایران باقی نگذارند و روزنامه ای که علی الظاهر ادعای برکناری از رسمیات داشته باشد، خوانندگان رادرا انتظار درج مطالب سودمند و آزاد بگذارند و دیگر انتظار رسیدن پست خارجه را برای گرفتن و خواندن اختر نکشند. (۱۰)

تاثیر روزنامه های فارسی زبان در خارج ایران

به دلیل فقدان دستگاه چاپ و نا آشنایی ایرانیان با مطبوعات و میزان تاثیر آن در افکار عمومی و شاید هم سانسور، عده زیادی از روشنفکران و نویسندگان در خارج از کشور دست به تاسیس و انتشار روزنامه های فراوانی زده و به انها "مختلف آن ها را به داخل کشور ارسال می داشتند. در این میان تجار و محصلین و عموم کسانی که با کشورهای هندوستان، عثمانی، مصر، انگلستان آمد و شد داشتند. انجام این وظیفه مهم را برعهده گرفتند.

به خاطر آشنایی این نویسندگان با مشکلات فراوان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ملت ایران که ناشی از جهل و بی خبری آن ها از وضع بد خود و عدم آشنایی با پیشرفت های سایر ملل وجود داشت و از طرفی رشد و بالندگی سایر ملل دنیا تمامی همت خود را بر آن گذارده بودند تا مردم را از این خواب غفلت بیدار نمایند و به



شماره (۱) | فصل بهار | سال شانزدهم | ۱۳۲۲-۱۹۰۴

پهنه نامه

تأسیس و تدوین: دکتر سید محمد حسینی
 مدیر: دکتر سید محمد حسینی
 دفتر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲۲۲-۱۹۰۴

سال چهارم، شماره شانزدهم، مرداد ۱۳۲۲ هجری قمری | مطابق ۳۰ شهریور ۱۹۲۷ میلادی

(اعلام سالانه ۲۰۰ تومان)

پارسی | انگلیسی

روزنامه و ماهنامه دو زبان فارسی و انگلیسی

شماره (۱) | فصل بهار | سال شانزدهم | ۱۳۲۲-۱۹۰۴

پهنه نامه

تأسیس و تدوین: دکتر سید محمد حسینی
 مدیر: دکتر سید محمد حسینی
 دفتر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲۲۲-۱۹۰۴

سال چهارم، شماره شانزدهم، مرداد ۱۳۲۲ هجری قمری | مطابق ۳۰ شهریور ۱۹۲۷ میلادی

(اعلام سالانه ۲۰۰ تومان)

پارسی | انگلیسی

روزنامه و ماهنامه دو زبان فارسی و انگلیسی

شماره (۱) | فصل بهار | سال شانزدهم | ۱۳۲۲-۱۹۰۴

حکمت

تأسیس و تدوین: دکتر سید محمد حسینی
 مدیر: دکتر سید محمد حسینی
 دفتر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲۲۲-۱۹۰۴

سال چهارم، شماره شانزدهم، مرداد ۱۳۲۲ هجری قمری | مطابق ۳۰ شهریور ۱۹۲۷ میلادی

(اعلام سالانه ۲۰۰ تومان)

پارسی

روزنامه و ماهنامه دو زبان فارسی و انگلیسی

شماره (۱) | فصل بهار | سال شانزدهم | ۱۳۲۲-۱۹۰۴

حکمت

تأسیس و تدوین: دکتر سید محمد حسینی
 مدیر: دکتر سید محمد حسینی
 دفتر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲۲۲-۱۹۰۴

سال چهارم، شماره شانزدهم، مرداد ۱۳۲۲ هجری قمری | مطابق ۳۰ شهریور ۱۹۲۷ میلادی

(اعلام سالانه ۲۰۰ تومان)

پارسی

روزنامه و ماهنامه دو زبان فارسی و انگلیسی

پیشینه روزنامه نگاری در ایران ۸۴



سهم خود قدمی در راه آگاهی و بیداری ایرا نیان بردارند. از سوی دیگر امکان نوشتن مطالب و انتشار دیدگاه های این نویسندگان بدون آنکه گرفتار تیغ سانسور بشود، وجود نداشت. تجمع این نویسندگان در خارج و انتشار مقالات و انتقادات آن ها از وضع ایران موج عظیمی را در داخل کشور ایجاد کرد. که تا انقلاب مشروطیت ادامه داشت. چه، این نویسندگان بر مواردی انگشت می گذاشتند که عامه مردم پس از آشنایی و شنیدن این سخنان، بوضع رقت بار خویش واقف می گشتند و آن ها این یافته ها را دست به دست و سینه به سینه در بین یکدیگر منتقل می کردند و بی صبرانه منتظر شماره های جدید این جراید بودند. در این مرحله روزنامه در ایران تاثیر فراوانی بر سامان دادن مخالفت و همگرایی ملی در جهت آشنایی با ظلم و جوری که دستگاه حاکمه بر آن ها روا داشته و عقب ماندگی فطرتی که از سایر ملل جهان وجود داشت، می گذاشتند.

از آن سو دستگاه حاکمه قاچار سعی فراوانی به عمل می آورد تا از ورود و انتشار آن ها به داخل کشور جلوگیری نماید که این امر در اکثر موارد با شکست روبرو می شد. اگر پی گیر مسیر حرکت و ورود این جراید به داخل کشور باشیم می بینیم که عمدتاً ورودشان با مشکل چندانی روبرو نشده و دست به دست به داخل کشور منتقل می گردیدند. این امر تا حدی نظریه دکتر رضوانی را تأیید می کند. (۹)

در این میان بودند روزنامه هایی که نه تنها در زمان خود عامل تاثیرات مثبت و فراوانی بودند، بلکه امروز هم که محقق به سراغشان می رود شادابی و تحرک و نوآوری را در آن ها مشاهده می نماید. از میان روزنامه هایی که نقش بسیاری در آگاهی و بیداری ملت ایران داشتند به طور نمونه می توان به چند نمونه اشاره کرد:

روزنامه پرورش

« میرزا علی اکبر خان شیبانی کاشانی » نخست ثریا را با همکاری سید فرج ا. کاشانی تاسیس کرد و پس از دو سال نتوانست با او همکاری کند و خود روزنامه دیگری به نام پرورش انتشار داد که از لحاظ نگارش در صف اول مطبوعات آن عصر قرار گرفت. پرورش به زودی در ایران میان افراد روشنفکر و ادب پرور برای خود جای شایسته ای



گشود و سیاستمداران و ادیبان و دانشمندان و شاعران آن را اثری قابل توجه می شناختند. روزنامه پرورش در سال ۱۳۱۸، یعنی دو سال بعد از انتشار روزنامه ثریا در قاهره مصر منتشر شد. میرزا علی محمد که جوانی فاضل و ادیب و پرشور بود به تبلیغ افکاری می پرداخت که پیش از آن به ندرت مورد توجه اهل قلم قرار می گرفت. این اندیشه ها چنان که سید جمال الدین اسد آبادی از پیش به تبلیغ آن همت گماشته، مربوط به شرکت دادن مردم در کار حکومت بود. (۱۰)

هر چند سبک مندرجات پرورش مانند ثریا بود و در روزنامه از اوضاع ایران وسایل مربوط به اوضاع بین المللی آورده شده است. احمد کسروی در این باره می نویسد: « ۱۰ سال نخست آن را که من دیدم از بهترین روزنامه هاست. نویسنده آن میرزا علی محمد خان مرد با غیرت و دانشوری بود و گفتارهای تکان دهنده و تندی می نوشتند در سال ۱۲۸۹ که مظفرالدین شاه باردوم به سفر اروپا رفت این مرد هم از مصر روانه گردید و در اروپا وزیران و همراهان دیگر شاه را دید و گفتارهای پرمغز نیکی برای نامه خود نوشت.» (۱۱)

مجدالاسلام در شماره ۲۹ سال سوم روزنامه ندای وطن مورخ ۸ شعبان ۱۳۲۷ قمری درباره مدیر پرورش این طور اظهار عقیده می کند: " خدمات و زحمات مرحوم علی محمد خان مدیر روزنامه ثریا و پرورش به عالم آزادی و ایرانیان از چیز هایی است که احدی نمی تواند تردید و انکار نماید. مطالبی در جریده پرورش می نوشت که امروز جرئت انتشار آن گونه مقالات را نداریم و حرف هایی در مسافرت فرنگ به شاه مرحوم. وزرا ملتزم رکاب عرض کرد که مدیر تایمز لندن با آن همه آزادی نمی تواند به وزرای انگلیس بگوید." (۱۲)

روزنامه اختر

روزنامه اختر نیز از اولین جرایدی است که به زبان فارسی و با چاپ سربی و به شیوه ای خوب و برای اولین بار در عثمانی به سال ۱۸۷۵ میلادی منتشر گردید. این روزنامه نقش فراوانی در بیداری و هشیاری ملت ایران بازی می کرد.

این روزنامه میدان جولان فکر و قلم عناصر دانا و بینایی قرار گرفت که به جهاتی از



اقامت در وطن چشم پوشیده و در اسلامبول رحل اقامت افکنده بودند. هم چون میرزا حبیب دستان و میرزا مهدی تبریزی که بعدها موصوف و معروف به منشی اخترشد. افرادی مانند یوسف خان مستشارالدوله نویسنده مقاله "یک کلمه" و میرزا نجفقلی خان که در بیداری فکر مردم سابقه خدمت قلمی داشتند. آنان با اسم و رسم و یا بی نام به روزنامه اختر پیوسته و به اهمیت آن افزودند. جالب آن است که روزنامه اختر به خاطر آشنایی مردم با حقوق مدنی و اجتماعی و سیاسی ترجمه کاملی از قانون اساسی فرانسه را در شماره های سال دوم خود انتشار داد و بعید نیست که این ترجمه به وسیله میرزا نجفقلی خان که در زبان فارسی، عربی و ترکی قوی بود، تهیه شده و در اختیار این روزنامه قرار گرفته باشد. (۱۳)

مقاله ای که در تفسیر و توصیف این اقدام انتشار داده بودند، مانند سر مقاله روزنامه وطن تهران، موافق طبع دربار مستبد ناصرالدین شاه نبود. ولی هر چه بود، اختر سی سال پیش از نهضت مشروطه ایران عده ای از ایرانیان را که در خارج و داخل کشور توفیق خواندن روزنامه اختر را یافته بودند به ترتیبات و تشکیلات لوازم حکومت مشروطه آشنا نموده بود.

ادوارد براون درباره اهمیت این روزنامه می نویسد: "در سنه ۸-۱۸۸۷ م نیز که من در ایران سفر می کردم تنها جریده قابل مطالعه زبان فارسی همان اختر بود که هفته ای یک بار در اسلامبول منتشر می شد. در حقیقت در دوان تیره و تار استبداد روزنامه اختر کمک بزرگی به تنویر افکار ایرانیان نموده در ایامی که جراید این مملکت منحصر به چند روزنامه درباری از قبیل "ایران" و "اطلاع" بوده است. روزنامه اختر برای آشنایی مردم به اوضاع دنیای خارج کمک های مفید بزرگی نموده است. (۱۴)

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع به روزنامه اختر می نویسد: "اختر روزنامه هفتگی منتشره در اسلامبول به مدیریت محمدطاهر تبریزی و نویسندگی مهدی تبریزی از ۱۲۹۹ شمسی مرتباً انتشار یافته و در آن تاریخ از طرف دولت ترکیه توقیف شده است" (۱۵)

مندرجات روزنامه دلیل بر وسعت اطلاع و آگاهی نویسنده آن است. فشار و سختگیری عمال حکومت عثمانی مدیر و نویسنده اختر را در فشار می گذاشت تا



این که بالاخره هر دودست از روزنامه نگاری شسته و نویسنده اختر خدمات صادقانه خود را به صورت دیگری در آورد.

روزنامه حبل المتین

از روزنامه های مهم و اثرگذار دیگر، می توان از حبل المتین نام برد که نام بزرگی از خود در تاریخ جراید ایران به یادگار گذاشته است. این روزنامه در سال ۱۳۱۱ هجری قمری مطابق با ۱۸۹۳ میلادی در کلکته انتشار می یافت (۱۶) و از مهمترین روزنامه های فارسی محسوب می گردد. این روزنامه از همه جراید هم عصر خود بزرگتر و خوش نام تر بود و به قول احمد کسروی: "از کارهای مهمی که انجام داد این بود که حاج زین العابدین ثقی اف از افراد متمول باکو پول فراوانی برای مسئولین این جریده فرستاد تا تعدادی از شماره های این روزنامه را به نجف برای علمای شیعه بفرستند که تاثیر بسیاری در آگاهی و بیداری علما در خصوص اوضاع ایران و جهان گذارد. این امر سبب شد که پس از مدتی شادروانان "شیخ حسن ممقانی و فاضل شریانی" که هر دو از مراجع تقلید زمان بودند به ستایش حبل المتین برخاسته و مردم را به خواندن آن تشویق نمایند." (۱۷)

احمد کسروی در خصوص حبل المتین ادامه می دهد: "این روزنامه گفتارها درباره گرفتاری های سیاست ایران می نوشت و دلسوزی ها و راهنمایی بسیار می کرد و در پیش آمد و ام از روس، گفتارهای تندی به چاپ رسانید که به همین دلیل چهار سال از آمدن آن به ایران ممانعت به عمل آمد." (۱۸)

وی هم چنان در جای دیگر کتاب تاریخ مشروطیت به برخی از روش های روزنامه فوق حمله کرده و آن را نوعی فرصت طلبی و گاهی به میخ و به نعل زدن تشبیه کرده و این رویه را نمی ستاید.

اما اگر با عنایت به محیطی که جراید در آن قرار داشته موضوع را نقادی نمائیم، انتقاد احمد کسروی را خیلی منصفانه نخواهیم یافت. چه، اگر مطبوعات به قول معروف هوای کدخدا را نداشتند، به ده راهشان نمی دادند. اگر آن ها مراقب نوع سمت گیریشان نبودند، امکان ادامه فعالیت در محیط آن روز ایران را نداشتند. با توجه



به فقدان منابع مالی و در آمد روزنامه‌ها و فشاری که دستگاه حاکم بر مطبوعات وارد می‌آوردند، می‌پذیریم که برخی از به نعل و تخته زدن‌ها که کسروی به آن‌ها خرده می‌گیرد قابل تامل خواهد بود. آن‌جا که می‌گوید: "شما می‌بینید در این شماره از دادگستری مظفرالدین شاه و یاز کوشش‌ها و بیداری‌های ولیعهدش محمد میرزا ستایش‌های بسیار نوشته و در شماره دیگری به ناله و فریاد از گرفتاری‌های مردم ایران و ستمگری حکمرانان و ویرانی و نابسامانی کشور پرداخته است" و یا در مباحث فکری مطروحه در یک شماره از اتحاد اسلام و واداشتن مردم به آن و دیگری در ستایش سوسیا لیزم و شمردن سودهای آن چنان زندگانی که نه نویسنده ناسازگاری آن دو راه را با هم دریافته و نه چاپ‌کننده به آن پی برده است" (۱۹)

اما با همه این انتقادات که تا حد زیادی مربوط به شرایط اجتماعی و سیاسی این دوره است، کسروی نیز اذعان دارد که به هر حال امثال روزنامه‌جیل‌المتین تأثیر شگرفی در بیداری و تعاون ملی مردم داشته‌اند. وی در این باره می‌نویسد: "نیک و بد را با هم می‌داشته‌اند و اگر روی هم رفته را بگیریم، سودمند بوده‌اند." از طرفی جیل‌المتین چون در کشورهای ایران، هندوستان، مصر، روسیه نمایندگی داشته، لذا اخبار این کشورها را به تفصیل چاپ می‌کرده و به خصوص نسبت به ایران که از اغلب شهرهای مهم برای اداره روزنامه‌خبر و مقاله می‌فرستاده‌اند. همین جامعیت و تفصیل اخبار روزنامه که باعث گردیده جیل‌المتین در ایران رواج و نفوذ زیادی پیدا کند. و در میان عموم طبقات خواننده داشته باشد. موضوع دیگری که به نشر فوق‌العاده روزنامه کمک می‌کرد مجانی بودن روزنامه بوده که مدت دو سال متوالی هر هفته پنج هزار نسخه از آن مجاناً بین روحانیون نجف و علمای ایران و سایر روشنفکران توزیع می‌گردیده به قسمی که در اوایل مشروطیت هر نوبت سی و پنج هزار نمره از آن طبع و منتشر می‌گشته است" و بازم به علت همین نفوذ زیاد و بی‌پروایی در نوشتن بود که ناگهان اتابک را متوجه خطر عظیم روزنامه‌نمود و برای بار اول مدت چهار سال ورود روزنامه را به ایران قدهغن کرد. بعضی علت جلوگیری اتابک از روزنامه را مقالات تند این روزنامه بر علیه روس‌ها در قضیه وام از آن کشور دانسته‌اند.

روزنامه جیل‌المتین به دستور اتابک مدت چهار سال از ورود به خاک ایران ممنوع



گردید. ضمن آن که در هندوستان هم روزنامه حبل المتین به مدت هشت سال ممنوع الانتشار گردید. آغاز این توقیف ظاهراً از سال ۱۲۹۵ شمسی بوده و در اوایل سال ۱۳۰۳ از توقیف خارج و مجدداً منتشر گردیده است.

محمد صدر هاشمی در خصوص جریده حبل المتین می نویسد: "خدمات چهل ساله مدیرانمه مقدس حبل المتین کلکته سید جمال الدین کاشانی (مؤید الاسلام) به سیاست و سعادت و استقلال مملکت ایران برهیچکس پوشیده نیست و تا قیامت در نظر ایرانیان فراموش نخواهد شد. (۲۰)

روزنامه قانون

مدیر روزنامه قانون میرزا ملکم خان است. جدا از اما و اگرهایی که درباره شخصیت سیاسی وی مطرح شده، وی جدا از زمانی که نتوانست از شرایط موجود دربار به نفع خویش بهره برداری نماید و پس از قضیه لاتاری و سلب مناصب و اختیارات سیاسی از طرف ناصرالدین شاه کینه امین السلطان را به دل گرفته و در لندن دست به انتشار روزنامه قانون زد. این جریده از مفاخر روزنامه های ایران در پیش از مشروطیت می باشد. اهمیت این روزنامه به حدی است که وقتی سید جمال به لندن رفت تصمیم گرفت مقالاتی را راجع به اوضاع ایران در "قانون" به چاپ برساند.

در میان روزنامه های عهد ناصری هیچ کدام مانند "قانون" و هیچ روزنامه نگاری چون ملکم در صدد بیان عیوب و نقائص دستگاه دولت بر نیامده و نقد و طنز و حمله و تعرض را از این جهت هم آهنگ نکرده و به سوی عالی ترین مقامات دولتی سوق نداده بود.

"یحیی دولت آبادی" در کتاب خود "حیات یحیی" در این باره می نویسد: "ملکم خان که نام او از پیش برده شد اکنون به مأموریت در اروپاست و جدا بر ضد امین السلطان کار می کند. روزنامه قانون را نوشته و در خفا نزد بیداران تهران و دیگر بلاد ایران می فرستد و روزنامه ای که سر تا پا مشتمل بر مساوی رفتار دربار و درباریان خصوصاً شاه و امین السلطان است.

هر شماره از این روزنامه که می رسد هیجان تازه ای در نفوس حاصل می گردد



واز طرف دیگر سید جمال الدین که در استانبول طرف توجه سلطان شده از گفتن و نوشتن معایب دربار و درباریان دقیقه ای فروگذار نمی کند، اوراقی نشر می دهد و با قدغن اکید دولت که آن اوراق به خاک ایران وارد نشود (۲۱)

محمد صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید از قول روزنامه صوراسرافیل در این باره می نویسد: "هر کس این جریده را خوانده می داند که از صدر اسلام تا به حال به زبان فارسی هیچ کس بدین فصاحت و سلامت که صرف معنی و زبان وقت باشد قلم روی کاغذ نگذاشته است." عبدالحسین نوایی "مقاله ای تحت عنوان شرح حال ملکم خان در مجله "یادگار" نوشته و منجمله راجع به روزنامه قانون می نویسد: "شاید امروز کلمه قانون یعنی اسم این روزنامه چندان تازگی نداشته باشد، ولی باید در نظر گرفت که این روزنامه در زمان ناصرالدین شاه یعنی دوره ای نوشته می شد که ادای لفظ قانون جرم شناخته می شد. و سید جمال الدین اسدآبادی معروف رابه همین جرم از ایران بیرون کردند و در حق او انواع توهین رواداشتند. من جمله او را (قانونی) خواندند. از حق نباید گذشت که مطالب روزنامه بسیار ساده، روان و عبارت بود از حملات سخت به وضع استبدادی عجیب و فجایع دربار سلطنتی ایران و تجاوزاتی که کارگزاران دولت به نام دربار و شاه و صدراعظم انجام می دادند. چون این سبک تحریر تا آن وقت سابقه نداشت مردم رغبتی به خواندن آن ابراز کردند و چون دیدند که مطالبی خلاف شاه و دربار و عمال دولت نوشته این افسانه که شاه سایه خداست و او امرش واجب الطاعه است از ذهن آنان بیرون رفت و همین مقدمه ای شد برای جنبش مشروطه و واژگون ساختن کاخ استبداد." (۲۲)

استبداد ناصرالدین شاه که در طی مدت سلطنت به غرور و خود خواهی شدید آمیخته شده بود با مطالب این روزنامه چندان سازش نداشت. بلکه هم چنان که ملک آرا نوشته در همان شماره اول صحبت از مجلس شورای ملی و محدود کردن اختیارات شاه و عمال او بود. به همین جهت ناصرالدین شاه و روداین روزنامه رابه ایران قدغن کرد. ولی آزادی خواهان و کسانی که از دست دربار استبداد دل پر خونی داشتند، این روزنامه را به هر طور بود تهیه می کردند و در مجامع مخفی برای دوستان و هم مسلکان خود می خواندند.



وقتی به ناصرالدینشاه خبر دادند که مجمعی از آزادی خواهان تشکیل شده و روزنامه قانون از این جا به اطراف منتشر می شود، بلا فاصله انجمن را محاصره و غارت نموده و افرادش را که بالغ بر دوازده نفر می شدند اسیر نمودند و درخانه کامران میرزای نایب السلطنه حبس کردند. شاه از شدت غضب تمامی عناوین و امتیازات ملکم را سلب و ورود وی رابه کشور ممنوع ساخت. هرچند وعده داده شده بود که قانون هفتگی است اما این وعده هیچ گاه عملی نشد و در مدت ۱۵ سال زمان انتشار تنها ۲۴ شماره از آن منتشر شد که آن هم فاقد تاریخ است. ولی باهمین تعداد کم موجد خیرات فراوانی شده است.

از دیگر روزنامه های مهم چاپ خارج از ایران روزنامه "حکمت" است که به زبان فارسی و در قاهره به چاپ می رسید. این روزنامه هم در بین آحاد ملت محبوبیت داشته و به مدت ۱۵ سال به انتشار خود ادامه داده و سهم به سزایی در بیداری ایرانیان داشته است.

جدای از این ها، می توان از دو روزنامه فارسی زبان دیگر نام برد که سیاقشان با روزنامه های ذکر شده، کاملاً متفاوت است و اگر چه به فارسی نوشته می شد اما ربطی به ایران نداشتند که عبارتند از «سراج الاخبار» منتشره در کابل افغانستان و «بخارای شریف» (۲۳) منتشره در بخارای ترکستان و بعضی روزنامه های دیگر در هندوستان و سایر نقاط چاپ می شده اند.

مطبوعات عصر ناصری

در دوران سلطنت ناصرالدین شاه که بسیار هم طولانی بود شاهد دوران متضادی هستیم. از طرفی استبداد زمینه های بیشتری پیدا کرد و از سوی دیگر شخص ناصرالدین شاه موید اصلاحات و نوآوری های شگرفی گردید که در تحلیل شخصیتی وی محقق فرومی ماند. اما روی هم رفته امید به هر گونه اصلاح و تغییر اساسی در مناسبات اجتماعی و سیاسی به شکست انجامید. زحمات تمامی رجال دلسوز و آگاه این مرز و بوم در جهت اسقرار روشی که در آن بتوان حداقل دستاوردهای مدنی و حقوقی ممالک پیشرفته را در این مملکت کهن به ارمغان آوردند، کاملاً به هدر رفت



اما نتیجه دلخواه به دست نیامد. به تلاش های میرزاتقی خان امیر کبیر با توطئه اندرونی و دیگر خودباختگان مستبد با قطع شریان حیات وی در فین کاشان خاتمه داده شد و اصلاحات میرزا حسین خان سپهسالار نیز نتیجه بهتری در بر نداشت.

اگر فرض کنیم که سپهسالار شاه رابه سفر فرنگ برد تا بلکه شاه رابا مدنیت و پیشرفت جدید و تحولاتی که در دنیای آن روز به وجود آمده بود، آشنا نماید و با تاسف باید گفت که این مهم با قرین توفیق همراه نشد. چه هنوز پای میرزا حسین خان به تهران نرسیده بود که تخت صدارت را در زیر پای دیگری قرار دادند.

نصایح دیگر مصلحین هم در آهن سرد پادشاه قاجار چندان تاثیری نداشت. چرا که نصایح سید جمال الدین اسدآبادی نیز که با دعوت شخص شاه به تهران آمده بود نتیجه ای جز تحریک امین السلطان و تشویق شاه براخراج سید جمال آن هم با لباس زیر به همراه نداشتند است.

می دانیم که تمام این تلاش ها چه در داخل و چه در خارج از ایران اگر چه پرثمر نبود، ولی بی نتیجه هم نبوده است. زیرا حداقل تعداد اندکی رابا حقوق و مزایایی که ملل دیگر از آن بهره مندند، آشنا ساخت و سرانجام دستان خشمگین میرزای کرمانی به حیات «شاه شهید» خاتمه داده و با ورود به عصر مظفری اولین چشمه های انقلاب مشروطه به جوشیدن آغاز شده است.

همان طور که آمد، ناصرالدین شاه با مقدمات میرزا حسین خان سپهسالار سفری به فرنگ نموده و ره آورد وی از این سفر پرماجرا آوردن یک دستگاه چاپخانه سربی با حروف لاتین و فارسی بوده است. این چاپخانه مدتی به علت نبودن سرپرست و حروف چین معطل ماند. تا آن که در سال ۱۲۹۲ هجری بارون لویی دونرمان فرانسوی از ناصرالدین شاه امتیاز روزنامه لاپاتری رابه زبان فرانسه گرفت و چاپخانه به وسیله او به کار افتاد. (۲۴)

با افتتاح این روزنامه بود که باید امیر کبیر رابه استفاده بهینه از چاپخانه برانگیخته و در راستای اقدامات اصلاحی خویش، انتشار روزنامه رادر سرلوحه اقداماتش قرار دهد. زیرا پس از مدتی به دستور وی روزنامه "وقایع اتفاقیه" تاسیس گردید و نخستین شماره آن روز جمعه پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ هجری قمری در تهران انتشار یافت



این روزنامه هفتگی و چاپ آن سنگی و به تفاوت دارای سه یا دو ورق و شماره اول آن دارای نقش شیر و خورشید ایران در میان دودرخت و بالای شیر و خورشید نوشته شده بود "یا اسدا.. الغالب" و شماره های بعدی به جای عبارت یا: "اسدا... الغالب" روزنامه وقایع اتفاقیه نوشته شده است. (۲۵)

مدیر روزنامه "حاجی میرزا جبار" رئیس تذکره و سردبیر آن یک نفر انگلیسی به نام «ادوارد برحیس» و نویسنده یا کاتب آن شخصی به نام «میرزا عبدالله» بوده اند. این روزنامه بعد از قتل امیر کبیر بانام «روزنامه دولت علیه ایران» و سپس با نام «ایران» انتشار یافت. فرمان ها و دستورات شاه و وقایع و حوادث هر هفته که غالباً مربوط به دستگاه سلطنت بود، در آن روزنامه چاپ می شد و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه روزنامه مزبور دارای تصاویر می گردد. ظاهراً برداشت ناصرالدین شاه از انتشار روزنامه استقبال مطلوب از محتویات و خریدنسخ فراوان آن بوده است. ولی این کار به دلیل فرمایشی و یا غیر ضرور بودن مطالب مطروحه و تا حدی تعریف و تمجید از دستگاه حاکم چندان مورد توجه واقع نشد و شاه در جهت پشتیبانی تبلیغاتی و فراهم آوردن خواننده کافی و حمایت مالی از آن، گروه هایی مانند اعیان، حکام، اشراف، فقودال ها، و امرای دربار و عوامل دولتی را موظف به خرید روزنامه کرد. شاه به موجب دستخطی که خطاب به مستوفی الممالک وزیر مالیه وقت صادر می کند دولتیان را به خرید تعداد معینی از روزنامه های دولتی ملزم می سازد و اجرای دستور آئونه شدن آنان و نحوه توزیع سهمیه های مشخص شده نشریات در ولایات و شهرها را بار دیگر تأکید می کند. (۲۶)

در زمان ناصرالدین شاه اغلب جراید دولتی بوده و در پایتخت منتشر می شده و اگر احياناً در بعضی از ولایات از قبیل اصفهان، تبریز و فارس روزنامه انتشار یافته تحت نظر حکام وقت بوده است. در وزارت انطباعات که یکی از وزارتخانه های مهم آن زمان بوده، اداره ای به اسم (اداره دارالطباعة مبارکه) وجود داشته که وظیفه آن تنظیم مطالب و انتشار روزنامه های دولتی بوده است. ریاست اداره دارالطباعة مدت ها برعهده منبع الدوله که از رجال مطلع و دانشمند آشنا به زبان های خارجی است، محول بوده و در زمان تصدی وی بود که سه روزنامه مهم "ایران"، "مریخ" و



"علمی" منتشر شده است. (۲۷)

این روزنامه ها بعدها در زمان مظفرالدین شاه هم به چاپ رسیده اند که برخی از لحاظ مطالب و کیفیت ارائه اطلاعات و اخبار در سطح بسیار خوبی قرار داشته اند و این ادعای صدر هاشمی خیلی هم گزاف نیست که نوشته: «اگر ادعا کنیم که روزنامه های فعلی ما نسبت به آن زمان چندان ترقی نکرده و بلکه از پاره ای جهات تنزل نیز نموده اغراق و مبالغه نگفته ایم» (۲۸)

جدا از روحیه استبدادی و یا تجملی دستگاه قاجار که روزنامه را نیز یک امر تفریحی می نگریسته، نفس انتشار روزنامه هر چند با مطالب ناقص و سطحی خود قدمی اساسی به سمت آشنایی مردم با جراید و مطبوعات اجتماعی و سیاسی بوده است. این امر هر چند با محدودیت ها و اعمال سانسور همراه بود ولی نمی توان از شوق و علاقه ای که در پس از انتشار این روزنامه ها در مردم ایجاد شد، حرفی نزد و این که علیرغم تیغ سانسور و فشار شدید دستگاه سلطنت و رجال مستبد آن روند روبه رشد مطبوعات، به خوبی در ایران به پیش رفت. گوئل کهن که در کتاب خود «تاریخ سانسور در مطبوعات ایران» فرایند این مسئله را بررسی نموده است آورده که در اولین نسخه روزنامه عصر ناصری این اعلامیه مندرج است:

هم چنان که مشاهده می شود، این طلیعه تنها یک اعلان یا آگهی برای نشر روزنامه در آینده نیست. بلکه پس از آن که در آغاز می گوید: ... همت ملوکانه اولیای دولت علیه مصروف برای این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و.. به حسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعة ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد. به بیان خبرهای دست چین شده دربار و دولت و کشور می پردازد و خود در زمره «شماره ای از روزنامه ماهیانه است». (۲۹)

همان طور که تصور می رفت هر چند در ابتدا به دستور و همراهی حکام ولایات، ولی بعدها تحصیلکردگان و عالمان ولایات خود دست به انتشار روزنامه زده و چند چاپخانه در تبریز و بوشهر و اصفهان و رشت دایر گردیده و روزنامه هایی از قبیل روزنامه ملتی، علمی و مریم که بدان ها قبلا اشاره شد انتشار یافت و در شیراز یک



روزنامه نیمه فارسی و نیمه عربی به وسیله طیب مخصوص ظل السلطان در حدود سال ۱۲۸۹ هجری تاسیس گردید و بعداً فقط به فارسی منتشر می شد. (۳۰)

در تهران پس از امیر کبیر، دشمن وی میرزا آقاخان نوری اعتماد الدوله به راستی نمایانگر طرز تفکر خاص دربار و ارتجاع بخش عظیمی از قدرتمندان حاکم زمان خود بود.

وی دشمن هر نوآوری بود و مخالف هر اندیشه ترقی خواهی. حتی خواست مدرسه نوبنیاد دارالفنون را ببندد و استادانش را به فرنگ بازگرداند.

« نشر مخزن الوقایع نوشته میرزا حسن سراجی را (شرح سفارت فرخ خان امین الدوله به اروپا) مانع آمد و دستور داد: البته نخواهید گذاشت این کتاب را باسمه نمایند و به همه جا منتشر شود و برای مردم آگاهی از اوضاع اروپا حاصل شود که مصلحت نیست». (۳۱).

این مرد نابخرد حتی در صدد توقیف و بستن چاپخانه برآمد که با اصرار برخی رجال خوشنام به تغییر نام آن رضایت دادند. دوره اول روزنامه ایران به مدیریت اعتضاد السلطنه انجام گرفت که پس از درج یک مقاله که به شئون سلطنت برخورد کرد وی را از کار برکنار کرده محمد حسن خان (اعتماد السلطنه) را به مدیریت این روزنامه گماشتند. اعتماد السلطنه تا زمانی که زنده بود مدیریت این روزنامه را به عهده داشت و روزنامه فوق که جریده نیمه دولتی بود تا سال ها به کار خود ادامه داد. چنانچه دوره دوم روزنامه ایران نیز که آغاز آن نهم عقرب ۱۲۹۵ شمسی مطابق با سال ۱۳۳۴ قمری است تا سال ها ادامه داشت و مدیران مختلفی نیز به خود دیده است. در برج حوت ۱۲۹۶ شمسی که در کودتای سیاه همه روزنامه ها توقیف شدند تنها روزنامه نیمه رسمی "ایران" به مدیریت آقای ملک زاده منتشر می شده است (۳۲).

با ظهور مشیرالدوله افکار آزادی خواهانه و ملی تا حدودی موجب سیر تکاملی مطبوعات گردید. هم چنان که تاریخ قانون گذاری جدید ایران با وزارت عدلیه وی آغاز شد. امری که میرزا حسینخان سپهسالار نیز برایش زحمات توانفرسای کوشیده بود، در این زمان نخستین روزنامه صرفاً تخصصی ایران نیز انتشار یافت.



میرزا حسینخان با قبول صدارت عدلیه روزنامه "وقایع عدلیه" را منتشر کرد که تا کنون به قول کوئل کهن در هیچ یک از فهرست های جراید و روزنامه ها ذکری از آن به میان نیامده است. (۳۳)

روزنامه وقایع عدلیه که به وسیله سپهسالار برای توجیه و تشریح اصلاحات قانونگذاری و نظام حقوقی و دادگستری، با کمک میرزا یوسف خان مستشارالدوله دوست و همفکر دیرینه اش انتشار می یافت، بدور از سانسور مرسوم از بسط عدالت و تربیت ملت، افزودن بصیرت مردم، آسودگی و ترقی اوضاع مردم، ایجاد تاسیسات عالی، وضع قوانین جدید و برانداختن تاسیساتی که مانع اجرای عدالت باشند سخن می راند.

نخستین شماره آن در ۱۷ ذیحجه ۱۲۷۸ هجری قمری منتشر شد و ابتدا قرار بر انتشار هفتگی آن بود اما از دوشماره بعدی که در دست داشت معلوم شده که به طور ماهیانه از چاپ بیرون می آمده است. (۳۴)

مطالبی که در روزنامه وقایع عدلیه به چاپ رسیده دقیقاً نشان می دهد که این روزنامه با مطبوعات پیشین دولتی تفاوت فاحش دارد و در فن روزنامه نگاری دگرگونی و تحولی شگرف در حال شکل گیری است. (۳۵)

برای این که برای اولین بار در تاریخ مطبوعات ایران از آزادی انتقاد سخن به میان می آید. "کهن" به نقل از روزنامه فوق آورده است: «مژده که در طبع و انتشار اخبار غیر رسمی آزادیم "ضمن این آزادی ما می توانیم حالات ناپسندی را که مغایر تربیت و ترقی مملکت مشاهده می کنیم (را) به این وسیله گوشزد جمهور مردم کنیم». (۳۶)

در حقیقت انتشار این مقاله انتقادی که نظام تشکیلاتی وزیربنایی یک وزارتخانه دولتی را مورد نقد و بررسی دقیق قرار داده بی سابقه است. اما این امر چندان به درازا نکشید، زیرا که رجال مرتجع دربار تحمل شنیدن چنین سخنانی را نداشتند و با مخالفت های عدیده زمینه برکناری میرزا حسینخان را از وزارت و در نتیجه تعطیلی روزنامه را فراهم نمودند. هر یک از متفکران مانند «میرزا یوسف خان مستشارالدوله» که «شارژدافر و وزیر مختار ایران در روسیه و عثمانی» بود، با نوشتن کتب و مقالات



تلاش خود را در جهت قانونمند کردن دستگاه حاکمیت و آشنایی مردم به حقوق خویش به کار گرفتند. مستشارالدوله با انتشار مقاله "یک کلمه" که در آن به رویایی دور اشاره می کند که از غرب الهام گرفته و تمامی وعلت العلل همه موفقیت هارا در کلمه قانون می پندارد. اوسعی کرده با برداشت از تعالیم میرزا ملکم خان و اندوخته های خویش از سفر فرنگ در چهارچوب یک جامعه ایدآل اسلامی و انطباق اصول اسلام با قوانین مدنی فرانسه پیوندی بین این دو ایجاد کرده و ملت را به این حقیقت اساسی که سال هاست از مدنیت غرب عقب مانده اند، آگاه گرداند.

سرنوشت اندوه بارمستشارالدوله، تنبیه سختی که بر او روا شد یاد آور روش خشونت با حکومت های استبدادی است. زیرا آن قدر با کتاب برسرش زدند تا بینایی خود را از دست. از دیگر روشنفکران می توان از ملکم خان نام برد که نه به صداقت مستشارالدوله ولی از لحاظ تعمق و اندیشه بسیار توانا تر از معاصرین خود بود. این مرد عجیب که به تعبیر اسماعیل رضوانی مولف کتاب انقلاب مشروطیت ایران در سال ۱۳۰۷ و در لندن پایتخت انگلستان روزنامه ای به زبان فارسی به نام "قانون" انتشار داد که قسمتی از سرمقاله شماره اول آن این است:

"هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست. زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین می کنیم بدون قانون. سرتیپ معزول می کنیم، بدون قانون. حقوق دولت را می فروشیم، بدون قانون. بندگان خدا را حبس می کنیم. بدون قانون. خزانه می بخشیم، بدون قانون. در هند، در پاریس، در تفلیس، در مصر، در اسلامبول، حتی در میان ترکمن ها هر کس می داند حقوق و وظایف او چیست، در ایران احدی نیست که بدانند تقصیر چیست و خدمت کدام ... " (۳۷)

این روزنامه ابتدا به طور آزاد و سپس محرمانه به ایران وارد شده و مانند یک شیبه گرانبها دست به دست می گشت.

از قانون که بگذریم و یک نقش غیر قابل انکار و اساسی در بیداری و هشیاری ملت ایران بازی می کرد. شاید بتوان از روزنامه "شرف" در عصر ناصری به عنوان زیباترین و پربهاترین روزنامه آن دوره نام برد که بایک کاغذ بسیار خوب و خطی خوش انتشار می یافت. شماره اول آن در محرم سال ۱۳۰۰ هجری قمری منتشر



شد و برای وقوف بر شرح حال عهد ناصری مفیدترین اسناد تاریخ معاصر است زیرا در هر شماره آن شرح حال یکی از رجال آن زمان به همراه تصویر وی آمده و تصاویر روزنامه از بوتراب غفاری برادر کمال الملک نقاش معروف قرن اخیر ایران بوده است. (۳۸)

مطبوعات عصر مظفري

روزنامه های عصر مظفري عمدتاً ادامه روزنامه های عصر ناصری بود به علاوه تعدادی از جراید که ملی بوده و مردم اجازه یافتند دست به انتشار آن ها بزنند. ظاهراً درسبک و سیاق و نوع تحریر مطالب تحولی به سمت اصلاح صورت پذیرفت اما از لحاظ زیربنا و محتوا چندان فرقی با عهد ناصرالدین شاه نداشته است. علتش نیز معلوم است با تغییر شاه هیچ چیز در دربار عوض نشده بود. چون ضمن آن که اتابک اعظم امین السلطان که پرده دار نمایش انتقال قدرت از پدر به پسر بود و این امر را با زیرکی انجام داده و در مسند قدرت حضور داشت ثانیاً طبع امین السلطان با این امور به ظاهر تفرنی سرسازگاری نداشت. با این همه برخی از افراد به انجا "مختلف توانسته بودند امتیاز نشر به جدید به دست آورند که به جراید آزاد معروف شدند. انتساب کلمه "آزاد" به این معنی نبود که مدیران جراید حق دارند هر چیزی را که به صلاح ملک و ملت دیده و بدان معتقدند در روزنامه های خود چاپ نمایند. بلکه منظور از آزاد، شکل اداره کنندگان آن جریده بود که دولتی و یا عامل دولت نبودند. (۳۹)

در تاریخی که از آن گفت و گومی نمائیم، جراید در انتشار مطالب و اخبار آزادی نداشته و اگر حسنی را بر کار آنان فرض نمائیم روزنامه عصر مظفري بیش از سلاف خود از امور مربوط به دربار و دیوان با با زار و مدرسه و مکتب می پرداختند، ولی می کوشیدند رضای طبقه مدرسه دیده و کاسب و پیشه ور را در ضمن نوشته های خود به دست آورند. بر همین اساس بود که "بازرگانان معتبری هم چون تقی اف بادکوبه همواره مکاتب جدید و جراید را بدین سان مشمول مساعدت محدود مادی قرار می داد" (۴۰)



این امر در رشد و بالندگی محصلین و حتی طلاب علوم دینی در نجف که برخی از نشریات به آن جا نیز ارسال می شد، نقش بس مهمی ایفا کرده است. روزنامه های این دوره از لحاظ سبک و سیاق فکری نیز به یکی از دو پایگاه تفکر زمان یعنی تهران و تبریز بستگی داشتند. روزنامه های الحدید، عدالت، کمال تبریزی، کوکب دری، نوروز و مکتب "با مدرسه های جدید تبریز و تهران پیوستگی داشتند و مسئولان روزنامه خود یا مدیر و یا ناظم مدارس بودند. (۴۱)

احمد کسروی مولف کتاب تاریخ مشروطیت ایران به معرفی چند روزنامه در تبریز می پردازد که دارای ویژگی های مناسب یک جریده ملی بودند. که از آن جمله می توان به روزنامه های "امید، آزاد" و "اتحاد ملی" (۴۲) اشاره کرد که عمرشان دولت مستعجل بود. چرا که هر یک پس از انتشار چند شماره از آن به کلی ناپدید می شدند.

انتشار روزنامه های فارسی زبان در خارج از کشور در زمان مظفرالدین شاه نیز ادامه داشته است و تاثیر فراوانی بر بالندگی و آگاهی طبقات مختلف می گذاشت همان قدر که روزنامه های وطنی از حقوق مدنی، انسانی، محدودیت قدرت حاکم، اصلاح دربار و فساد درباریان کمتر بحث می کردند. روزنامه های ثریا و پرورش و جبل المتین به آن ها اهتمام داشتند. خاصه مهم روزنامه وطنی در این زمان، تشویق مردم به کسب علم و ادب و صنعت و اقتصاد بوده و از ذکر مطلبی که «شاه و صدر اعظم، امیر اتابک و حضرت والا مقرب السلطان» (۴۳) را آزرده سازد، پرهیز داشتند. بنا بر این زمانی که در روزنامه ها از جنگ بو ترها و اختلاف ملل اروپایی می نوشتند اثری بیش از مقالاتی که درباره ایران می نوشتند، داشته است.

اما تعادل در میان این همه رجال که نیش قلم به ساحت یک نفرشان بر نخورد امر مشکل و گاه محالی بوده است. در زمان عین الدوله صدر اعظم مغرور و مستبد مظفرالدین شاه، روزنامه "چهره نما" علیرغم حمایت فراوان از شاه در برخی موارد به صدر اعظم عین الدوله بی توجه بوده و یا گاهی نیشی به وی می زده است و زمانی که مقالاتی درباره عقب ماندگی کشور به چاپ رسیدن خشم مقام صدارت را برانگیخت به این سبب پس از نشر چند شماره به اداره سانسور وزارت انطباعات و پستخانه



دستور داده شد تا از ورود چهره نما به ایران جلوگیری نمایند (۴۴)

ظاهراً افراد زیادی منجمله "میرزا حسن رشديه" دست به دامان عین الدوله شده از وی خواستند دستور لغو ممانعت روزنامه چهره نما را صادر نماید. و کار آن جا سامان یافت که میرزا حسن رشديه تعهد کتبی داد تا روزنامه فوق الذکر دست از پا خطا نکرده و حریم خود را بشناسد و به موجب دستخط مبارک روزنامه آزاد شد. در این جا بدنیست به نامه صدر اعظم در این باره نظری افکنیم:

« جناب فضل و محامد نصاب، آقای میرزا حسن رشديه شرحی که در باب روزنامه چهره نما نوشته بودید، ملاحظه شد. حال که نوشته اید روزنامه مزبور از تکالیف خارج نمی شود (!) البته در این صورت ورودش به خاک ایران ضرری ندارد و بدیهی است هر قدر وسایل دانش و معرفت منتشر شود، ثمراتش برای دولت و ملت بیشتر است. پس بر حسب تعهد شما. سفارش لازم شد. روزنامه چهره نما از توقیف خارج و در ورود به خاک ایران بدون ممانعت قبول نمایند" (۴۵)

با آمدن امین الدوله شرایط برای فعالیت های مطبوعات رونق بهتری پیدا نمود. وی در راستای انجام اصلاحات مناسب نسبت به مطبوعات نیز حسن ظنی را دارا بوده و روحیه شاه که بیشتر به درویشی و کسالت و دوری از امور دست و پا گیر مملکت داری با آمدن یک رجل تا حدی منورالفکر و رفتن رجال قدیم سازگارتر می گردد. میرزا یحیی دولت آبادی معتقد است مصاحبت شاه با امین الدوله وی را شیفته و علاقمند توسعه معارف و علوم کرده است "به حدی که هیچ کس به هیچ وسیله نمی تواند خاطر او را از این عقیدت منصرف نماید. (۴۶)

خصوصاً که می بیند از هر طرف این کارستوده و وطن خواهان این عمل پادشاه را مورد تکریم و تعزیر قرار می دهند. جالب آن است که وزیر اعظم در تاسیس مدارس جدید نه تنها افکار تجدد خواهان را در دایره معارف تمرکز می دهد. بلکه بعضی از کهنه پرستان هم برای آن که به شاه و وزیر تقرب جسته باشند، رنگ معارف پروری به خود داده. خاطرات ابن خیال مقدس وزیر اعظم بال و پر گشوده خودنمایی می نمایند. (۴۷)

در این راستا امین الدوله روزنامه تربیت به قلم میرزا محمد حسن فروغی - ذکا"



الملک - را به صورت هفتگی منتشر می نماید. این هفته نامه پس از مدت کوتاهی به صورت یومیه در آمد. میرزا یحیی دولت آبادی شرایط این دوره را این چنین شرح می دهد: «روزنامه تربیت در سایه نظرات صدراعظم سبک تملق سرایی خود را که به اقتضای زمان وطبع نویسنده آن مدتی پیروی شده، تغییر داده به بیان حقایق و نگارش مطالبی که برای بیداری ملت مفید بوده باشد، می پردازد. روزنامه ایران که روزنامه رسمی دولت است و تنها به نگارش حوادث جاری دربار با پرده پوشی های بسیاری پرداخته از تنگنایی که بود، در آمده صورت بهتری به خود می گیرد» (۴۸)

هم زمان با این تحولات روزنامه " خلاصه الحوادث " که اولین روزنامه یومیه است در زمان مظفرالدین شاه توسط محمد باقر خان اعتمادالسطنه به استثنای روزهای یکشنبه و جمعه بر روی یک ورق منتشر می گردید. انتشار اولین شماره آن روز پنجشنبه چهاردهم جمادی الاخر ۱۳۱۶ قمری صورت گرفته و مرتباً تا شماره ۱۱۰۷ مورخه ربیع الثانی ۱۳۲۱ قمری مطابق با ۱۳ اگوست ۱۹۰۳ میلادی منتشر گردیده است. (۴۹)

علیرغم مقاومت فراوان دربار و رجال مستبد مطبوعات در داخل و خارج کشور نقش بیداری و آگاهی بخشی به ملت ایران را به خوبی انجام دادند. اگرچه مطبوعات داخلی در حد انتظارات روشنفکران نبوده ولی با توجه به شرایط زمانی آن دوره نقش انتشار آن ها حرکت مثبت و مترقیانه بوده است.

مطبوعات بیشترین نقش را در خیزش ملی انقلاب مشروطیت ایفا کردند.

مطبوعات و مشروطیت

بعد از فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه در سال ۱۳۳۴ قمری روزنامه های متعددی شروع به انتشار نمودند. از معروفترین روزنامه های ۱۳۳۴ ه.ق. روزنامه های "مجلس، تمدن، ندای وطن" و از میان روزنامه های مهم سال ۱۳۲۵ می توان "خیر الکلام، مساوات، صوراسرافیل، صبح صادق و نسیم شمال" را نام برد (۵۰)

به تناسب فضای بعد از مشروطیت هر جا دستگاه چاپ یافت می شد یک روزنامه با مرامی خاص منتشر شده است که گاهی جمع میان آن ها، بسیار بعید و غیر ممکن



تبریز

شماره ۱۰۴ سال اول
شماره ۱۰۴ سال اول
شماره ۱۰۴ سال اول

برای اطلاع از قیمت و نحوه اشتراک در این نشریه...

تکلیف از اجیده

ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...
ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...

ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...
ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...

چهل بیت

شماره ۱۰۴ سال اول
شماره ۱۰۴ سال اول
شماره ۱۰۴ سال اول

برای اطلاع از قیمت و نحوه اشتراک در این نشریه...

تکلیف از اجیده

ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...
ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...

ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...
ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...

تبریز



تبریز...
تبریز...
تبریز...
تبریز...

تکلیف از اجیده

ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...
ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...

تبریز



تبریز...
تبریز...
تبریز...
تبریز...

تکلیف از اجیده

ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...
ببیند که چه قدر توجیهی که از کتب معتبره که از طرف حاکمان...
تکلیف از اجیده...

نقش قلم در تاریخ معاصر ایران



بوده است. با اعلام مشروطه و تصویب قانون اساسی و متمم آن که آزادی قلم و فکر و زبان را تضمین می کرد و مطبوعات را از حیث موقعیت در این اساس جدید رکن چهارم به حساب می آوردند (۵۱) توجه مردم به تاسیس روزنامه و نوشتن مقاله و انتقاد از اوضاع کلی و جزئی به آن جا رسید که از هر جا دستگاه چاپی وجود داشت روزنامه ای بلکه روزنامه هایی در معرض انتشار قرار می گرفت .

اختلاف وضع و سطح مطلب و کیفیت تدوین و تحریر در این روزنامه ها به تعداد آن ها بود و آن چه جامع میان این سلیقه ها و روش ها و درخواست ها می توانست شناخته شود، طرفداری غالب آن ها از مشروطه جدید بود و در غیر این یا هر دو مورد هر کس برای خود راهی و روشی خاص اختیار می کرد که جمع میان آن ها غالباً به غایت دشوار می افتاد . این جوشش مطبوعات جدید به جایی رسید که در سال ۱۳۲۵ قمری دومین سال انقلاب مشروطه هشتاد و چهار روزنامه پدید آمد . مرحوم مخبرالسلطنه در کتاب گزارش ایران می گوید :

" عدد روزنامه ها از حد حاجت بیرون رفت . اسامی مهیب به خود می گرفتند . روزنامه حشرات الارض هم داشتیم . به روزنامه قناعت نشد شبنامه از درودیوار فرو می ریخت "

در این بازار مکاره همه چیز یافت می شد، جز راه روشن و مناسبی که مردم را سامان دهد. احمد کسروی با طعنه فراوان از این تنگ نظری و غفلت جراید نالیده می نویسد:

" بیشتر روزنامه های تهران این آک را هم می داشت که به سهش توده ها نزدیک نمی آمد . (۵۳)

انتظار وی این بود که روزنامه ها در شرایط بر شمرده هم چون دیده بانی راه ملت و خطرات و آفات راه را ترسیم نموده هم چون آموزگاری آن ها را از خطا و بیراهه مصون بدارد. در حالی که خود را به یک مشیت علوم بی فایده و خشک چسبانیده و چون خواستشان بیش از همه خودنمایی بود ، جز به نوشته های خشکی از فلسفه و عرفان و حدیث نمی پرداختند . شعر که کالای ایران است اینان باری با شعرهای ساده و آسان در جوش و سهش مردم همراهی نمی کردند. (۵۴) و تنها در فکر تنگ



وقایفه غزل های تر کستانی و هندوی بودند .

احمد کسروی اصولا به اساس این حرکت و دسته بازی های سیاسی خرده گرفته و از این بابت می نالد که هیچ یک از این رجال از شرایط موجود به نحو مطلوبی استفاده نکرده اند . چرا که مجددا همین طعنه ها و انتقاد هارا در کتاب تاریخ هجده ساله آذربایجان به شکلی دیگر مطرح می کند زیرا در چنان زمانی بیش از هر کار می بایست که کسانی با نوشتن کتاب ها و روزنامه هار مردم را از معنی درست مشروطه و راه زندگی نوین آگاه سازند و سود آزادی کشور را فهمانیده همه رابه هم دستی وهم زبانی خوانند . در چنان زمانی که توده به جنبش آمده ، گوش ها شنوا شده بود اگر مردان بخردی پادرمیان بودند بایستی به چاره پراکندگی ها و چندتیرگی ها در توده که از باستان زمان بود بکوشند . به جای همه این ها ، ناگهان در پایتخت دسته های انقلابی و اعتدالی پدید آمده است آتش دو تیرگی زبان زدن گرفت " (۵۵)

در التهابات و نگرانی های پس از مشروطه علیرغم چند پارگی دیدگاه انقلابیون و به سامان نبودن وحدت رویه در عملکرد انقلابی و وادار کردن دستگاه سیاسی به تشکیل مجلس و اعطای آزادی های بیشتر و مفیدتر در باب قلم ، روزنامه ، جراید به خاطر سطح نازل دانش سیاسی گردانندگانشان و از فقدان یک پشتوانه مالی و اقتصادی که بتواند با حفظ استقلال و رفع طمع از جیب این و آن به بیان آزاد دیدگاه ها و نظرات خود پیردازند ، کاری از پیش نبردند . ضمن آن که برداشت طبقات مختلف مردم از مشروطه باهم متفاوت بود . روشنفکران که مشروطه را دردا من علما گذارده و آن ها را به صف اول مبارزه کشانده بودند و مترصد بودند تا از محبوبیت و نفوذ آن ها در نزد عوام سودبرده ، تفرق کاملا آشکار در فهم و برداشت از مشروطه با علما داشتند . بدیهی است که بزرگانی چون " علامه نائینی ، ملا آخوند خراسانی ، طباطبایی ، بیهبانی و مازندانی " برداشتی کاملاً متفاوت و متناقض آن چه روشنفکران داشتند دارا بودند شاید شیخ فضل ا . نوری زودتر و بیش از همه به این تفاوت ها واقف گشت و بنای مخالفت نهاد . وضع که برای روشنفکران و بزرگان قوم چنین باشد ، حساب عوام روشن است . آن ها درک درستی از مشروطه نداشتند و در این آشفته بازار جراید نیز ترسیم روشنی از آن چه می خواستند ارائه نمی دادند . به سخن دیگر در تاریخخانه



قصه مولانا هرکس فیل را از زاویه دید و نگرش خویش ادراک می کرد. شاید مهم‌ترین قدمی که در این راه برداشته شد تصنیف قانون مطبوعات و حدود آزادی قلم بود که تا زمان توپ بستن مجلس عملاً با مقاومت هایی از طرف دربار و محمد علی شاه روبرو گردید.

بدیهی است محمد علی شاه چه به دلیل تعلیماتش و چه به جهت فرهنگ تربیتی اش چندان میانه خوشی با اصحاب قلم، مطبوعات، مجلس و دموکراسی نداشت.

همان طور که آمد، این قانون تنها حرکت سازنده و مثبت در ابتدای کار مجلس اول بود با آمدن نمایندگان آذربایجان و اصرار مبنی بر درخواست صدور دستخط لفظ مشروطه و اتمام قانون اساسی. جلسه ای در خانه شاهزاده جعفر میرزا که خود فردی تحصیل کرده بود، تشکیل و یکی از اعضا به نام علی محمد مجید الدوله که سابقه فراوانی در روزنامه نگار داشت. مسئله آزادی مطبوعات را طرح و از نمایندگان تبریز که از بقیه نمایندگان آزادی خواه تر بودند خواستند که در صحن مسجد طرح نماید پس از مقدمات قانون مطبوعات در روز شنبه پنجم محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری با حضور هشتاد و هشت نفر از نمایندگان مجلس و با هفتاد و شش رای به تصویب رسید و پس از امضای رئیس مجلس مرحوم (احتشام السلطنه) برای صحه همایونی به دربار فرستاده شد.

در این میان می توان به یکی دوروزنامه اشاره نمود که بیشترین تلاش را در راه اعتلای کلمه مشروطه و تفهیم آن به طبقه ای که از نزدیک در جریان انقلاب قرار داشت بنماید. از سوی دیگر اگرچه رسماً این موارد در زمان محمد علی شاه در مجلس تصویب نشد ولی روزنامه ها عملاً آزاد بودند هر آن چه که می پسندند بنویسند.

صدر هاشمی محقق ارزشمند تاریخ مجلات و جراید از زبان یکی از روزنامه های این دوره آورده است: "امروز آزادی قلم در ایران در هیچ یک از ممالک فرنگ نیست بلکه از تمام ممالک متوسط اروپا هم بهتر و آزاد تر است". (۵۶)

روزنامه صوراسرافیل را می توان از نمونه های ارزشمند این دوره نام برد. این روزنامه توسط میرزا قاسم خان تبریزی و میرزا جهانگیر خان شیرازی، بنیاد نهاده شد و میرزا علی اکبر خان قزوینی (دهخدا) در آن مقاله می نوشت. با چاپ مناسب و کاغذ



خوب از مفاخر جراید این عصر می باشد که تا به توپ بستن مجلس ادامه داشته است (۵۷)

در این روزنامه یک بخش طنز به نام چرندوپرند نوشته می شد که مرحوم دهخدا انجام این مهم را بر عهده داشت و در شکل و محتوا به "ملانصرالدین"، "قفقاز" و "آذربایجان" در روزنامه های فکاهی آن عصر مشابهت داشت. مدیران این جریده با اطلاعات مناسبی که از دیگر کشورها و اوضاع داخلی داشتند با انتشار مقالات و تیرهای مناسب نقش خوبی در این میان بر عهده گرفتند و این امر سبب رنجش دربار و طبقات دیگر گردید.

بیهوده نبود که پس از بمباران مجلس و آغاز استبداد صغیر محمد علی شاه در سال ۱۳۲۶ هجری قمری، از میان خیل روزنامه نگاران و ارباب جراید تنها میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر صوراسرافیل و یک آزادی خواه دیگر به نام ملک المتکلمین دستگیر گردیدند و بعد از چند روز جهانگیر خان به دار آویخته شد و شکم ملک المتکلمین دریده گردید و تمام روزنامه ها نیز تعطیل شدند.

با فرار و خلع محمد علی شاه مجددا بازار مطبوعات داغ شد و این شلوغی کار که به منزله اصلاح و بهبود کیفیت خبررسانی و شکل و سامان جراید نبود. آن سر شکستگی که سایر طبقات را گرفته بود، عارض مطبوعات نیز شده بود. به قول کسروی "در نوشتن آزاد بودند. اما چه بنویسند. از چه بگویند. عده ای وزیر و عده ای هم وکیل شده بودند و عده ای هم بیهوده هیاهو می کردند. یک روز دولت را نکوهش می کردند. یک روز از توده بد می گفتند. آن چه امروز می گفتند. فردا وارونه آن را می سرودند. در هر گفتاری راه گزافه می پیمودند. چند تنی که اروپا را دیده یا از قفقاز برگشته بودند در ایران تخم اروپائی گری می افشاندند." (۵۸)

در این آشفته بازار تنها حرکت سازنده، تصویب قانون مطبوعات و هیات مصنفین بوده است.

این قانون به صراحت اعلام داشت که حقوق عموم را پاسداری و ارزش هر گونه آزار و تجاوزی که ممکن است از سوی نویسندگان و مدیران مطبوعات صورت گیرد، جلوگیری خواهد کرد. این امر با مخالفت صریح شیخ فضل ا. نوری همراه شد. وی



با اشاره به اصل بیستم متمم قانون اساسی مشروطیت ایران نوشت :
"ماده دیگر که در این ضلالت نامه (متمم قانون اساسی) است آزادی قلم و آزادی
مطبوعات است"

اومی نویسد: " عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد
و ممیزی در آن ها ممنوع است. به موجب این ماده بسیاری از محرمات ضروری
الحرمه، تحلیل (حلال) شد زیرا که مستثنی فقط دو امر شد و حال آن که یکی از
محرمات ضروریه افترا ست و یکی از محرمات مسلم غیبت از مسلم است و هم چنین
قذف (دشنام و تهمت) مسلم و ایضا" و سبب و فحش و توهین و تخویف و تهدید و نحو آن
من الممنوعات الشرعیه و المحرمات الالهیه، آزادی این امور غیر از تحلیل ما حرمه
است (غیر از حلال کردن چیزی است که خدا حرام کرده است)." (۵۹)

با همه این تفضیلات قانون نوشته شد و برخی از جرایم مطبوعاتی بر اساس این
قانون اجرا گردید و اما دوام آن چندان طولانی نبود. زیرا پس از کودتای سوم حوت
هیچ قلمی از دست شکستن و خرد شدن در امان نبود. اما اعلان این قانون وسیعی
مجلس در حفظ حرمت جرایم باعث شکوفائی مطبوعات در دوره دوم مشروطیت
گردید که تا حد زیادی جنبه صنفی و حزبی داشته است. که از میان این روزنامه ها
می توان به "ایران نو" ارگان حزب دموکرات، "استقلال ایران" ارگان حزب اتفاق
و ترقی و شورای "را نام برد. روزنامه های دیگری که در این زمان در تهران چاپ می
شدند عبارتند از:

"ایران، ایران آزاد، بدر، برق، بهارستان، توفیق، جنت، حیات جاوید، حقیقت،
حلاج، رعد، رهنما، زنبور، زبان آزاد، شمس، شفق سرخ، صدای ایران، صدای
تهران، عصر انقلاب، عصر جدید، قانون، کار، کوکب ایران، گلشن، کل زرد، مرد
آزاد نسیم شمال و نو بهار." (۶۰)

این روزنامه ها اغلب مقالات اساسی و اخبار جنگ بین المللی را درج می نمودند
و در این مورد به بحث می پرداختند. جالب این که مقالات این روزنامه ها در باب جنگ
بسیار پخته و استادانه بود و کمی از روزنامه های اروپایی نداشته است. با انحلال مجلس
سوم و تا تشکیل مجلس چهارم دوره ای به نام عصر فترت آغاز می شود که قریب



ده سال به طول انجامید. (۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ هجری قمری)

صدر هاشمی معتقد است این دوره علیرغم نوساناتی که در مجموع داشت از لحاظ بالندگی جراید بسیار عصر درخشانی بوده است چرا که مطبوعات با فراغ بال بیشتری به مشکلات و نابسامانی های اجتماعی و سیاسی زمان خود می پردازند. باتوجه به این که قوه مقننه تعطیل بود نقش مطبوعات و نوع ارتباطشان با مردم و دولت بسیار مهم ارزیابی می شود. در این دوره روزنامه های آبرومندی منتشر شدند که نام اکثر آن ها برده شد و از لحاظ عملکرد مطالبی که در آن ها نوشته می شد قدری برای باروزنامه نگاری دهه های بعدتر خود می باشد. ■



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع و مأخذ:

- ۱- باقریان نژاد، زهرا، روزنامه و روزنامه نگاری در ایران، نشر مولانا، اصفهان، چاپ اول ۱۳۷۱ ص: ۸
- ۲- صلح جو، جهانگیر، تاریخ مطبوعات ایران و جهان، تهران ۱۳۴۸، ص: ۳۹
- ۳- باقریان نژاد زهرا، ص: ۸ و ۷
- ۴- محیط طباطبایی، محمد، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، نشر بعثت، چاپ اول تهران ۱۳۵۷، ص: ۱۲۶
- ۵- براون، ادوارد، تاریخ مطبوعات ایران در دوره مشروطیت، محمد عباسی، نشر کانون معرفت، بی تا، ج ۱، ص: ۱۲۶
- ۶- همان منبع ج ۲، ص: ۱۲۷
- ۷- ایضا، ص: ۱۳۸
- ۸- محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص: ۶۰ - ۷۰
- ۹- دکتر اسماعیل رضوانی در سخنرانی مورخ ۷۴/۹/۲۰ در بنیاد نشر تاریخ مدعی شدند یکی از دلایل چاپ این جراید در دیگر بلاد مقابله ناصرالدین شاه با جراید فرنگی است
- ۱۰- کسروی احمد، تاریخ مشروطیت ایران، انتشارات امیر کبیر، چاپ پانزدهم، تهران ۱۳۶۹، ص: ۸۵
- ۱۱- صدرهاشمی، محمد، تاریخ مجلات و جراید ایران (ج ۱- ۴) انتشارات کمال چاپ دوم، اصفهان ۱۳۶۳، ج دوم ص: ۶۰
- ۱۲- محیط طباطبایی همان منبع ص: ۳۹
- ۱۳- ادوارد براون همان منبع ص: ۳۱۶
- ۱۴- محمد صدرهاشمی همان منبع ج اول ص: ۶۳
- ۱۵- جهانگیر صلح جو همان منبع ص: ۶۹
- ۱۶- احمد کسروی، تاریخ مشروطیت ص: ۴۲
- ۱۷- ایضا، ص: ۴۲
- ۱۸- احمد کسروی تاریخ مشروطیت ص: ۸۵
- ۱۹- محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید ج دوم ص: ۶۰
- ۲۰- یحیی دولت آبادی، حیات یحیی، ج اول، انتشارات فردوسی چاپ دوم تهران ۱۳۶۱، ص: ۱۲۳
- ۲۱- جهانگیر صلح جو و تاریخ مطبوعات ایران و جهان، ص: ۶۹



- ۲۲- ادوارد براون. تاریخ ادبیات ایران ص ۱۵۸
- ۲۳- علی اصغر شمیم. ایران در دوره قاجار انتشارات امیر کبیر چاپ پنجم تهران ۱۳۶۳ ص ۱۹۵
- ۲۴- همان منبع
- ۲۵- گوئل کهن. تاریخ سانسور در مطبوعات ایران. انتشارات آگاه چاپ اول تهران ۱۳۶۲ ص ۵۹
- ۲۶- محمد صدر هاشمی تاریخ جراید و مجلات ایران ص ۳
- ۲۷- همان منبع
- ۲۸- گوئل کهن جلد اول ص ۱۸
- ۲۹- شمیم. ایران در دوره سلطنت قاجار ج اول ص ۱۹۵
- ۳۰- گوئل کهن همان منبع ص ۴۷
- ۳۱- صدر هاشمی تاریخ جراید ج اول ص ۳۱۳
- ۳۲- گوئل کهن همان منبع ص ۶۶
- ۳۳- همان منبع ص ۶۷
- ۳۴- همان منبع ص ۶۷
- ۳۵- اسماعیل رضوانی "انقلاب مشروطیت ایران کتاب های جیبی (فرانکلین ج، سوم ۱۳۵۶ ص ۱۷
- ۳۶- همان منبع
- ۳۷- محمد صدر هاشمی تاریخ جراید و مجلات ایران ج اول ص ۹
- ۳۸- محیط طباطبایی تاریخ تحلیلی مطبوعات ص ۸۹
- ۳۹- همان منبع ص ۸۹
- ۴۰- احمد کسروی تاریخ مشروطیت ص ۲۷۰
- ۴۱- طباطبایی تاریخ تحلیلی مطبوعات ص ۹۹
- ۴۲- گوئل کهن تاریخ سانسور ج اول ص ۲۲۷
- ۴۳- همان منبع ص ۲۲۷
- ۴۴- دولت آبادی حیات یحیی ج اول ص ۱۹۸
- ۴۵- همان منبع ۱۹۹
- ۴۶- همان منبع ص ۱۹۹
- ۴۷- محمد صدر هاشمی. تاریخ جراید ص ۸



- ۴۸- جهانگیر صلح جو همان منبع ص ۸
- ۴۹- محیط طباطبایی. تاریخ تحلیلی مطبوعات ص ۹۴
- ۵۰- رضوانی انقلاب مشروطیت ایران ص ۳۳
- ۵۱- احمد کسروی تاریخ مشروطیت ص ۲۲۷
- ۵۲- همان منبع ص ۲۲۷
- ۵۳- احمد کسروی تاریخ هجده ساله آذربایجان. انتشارات امیر کبیر. ج. دهم. تهران. ۱۳۷۱.

ص ۱۲۷

- ۵۴- صدرهاشمی همان منبع ص ۲۲
- ۵۵- احمد کسروی تاریخ مشروطیت ایران ص ۲۷۷
- ۵۶- احمد کسروی تاریخ هجده ساله ص ۷۴
- ۵۷- صدرهاشمی. تاریخ جراید. ص ۱۹
- ۵۸- عبدالهادی حائری. ایران و جهان اسلام. انتشارات آستان قدس رضوی مشهد ص ۱۵۲
- ۵۹- جهانگیر صلح جو تاریخ مطبوعات ایران و جهان. ص ۸۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

